



جنگ غزه شکاف‌های جهانی را تشدید و رقابت قدرت‌های بزرگ را دوباره تبدیل به محور روابط بین‌الملل کرد

تغییر اجتناب‌ناپذیر شده است

با جنگ‌های غزه و اوکراین ممکن است یک پیکربندی مجدد ژئوپلیتیک عمیق‌تر از جمله تغییر به یک نظم جدید جهانی در کار باشد

برهما چلانی

استاد مطالعات استراتژیک، عضو آکادمی رابرت بوش در برلین و نویسنده کتاب «آب، صلح و جنگ»



تقسیم شود. به عنوان مثال، چین اکنون بیشتر با جنوب جهانی تجارت می‌کند تا با غرب. چین که به دنبال کاهش آسیب‌پذیری خود در برابر فشارهای آینده است، بی‌سر و صدا بخش بزرگی از اقتصاد خود را از غرب جدا می‌کند.

ایالات متحده خود مقصر وضعیت فعلی است. واشنگتن با تسهیل فعالانه رشد اقتصادی چین به مدت ۴ دهه، به ایجاد بزرگ‌ترین رقیبی که تاکنون با آن روبه‌رو بوده کمک کرد. امروز چین دارای بزرگ‌ترین نیروی دریایی و گارد ساحلی جهان است و آشکارا سلطه غرب بر سیستم مالی جهانی و نهادهای بین‌المللی را به چالش می‌کشد. در واقع، چین سخت کار می‌کند تا نظم جهانی جایگزینی را ایجاد کند که در مرکز آن قرار دارد.

اگرچه سیستم کنونی که اغلب با اصطلاحات بی‌طرفی مانند «نظم جهانی مبتنی بر قوانین» یا «نظم جهانی متعادل» نامیده می‌شود بدون شک بر ایالات متحده متمرکز است اما به نظر می‌رسد خود را از قوانین و هنجارهای کلیدی، مانند قوانینی که مداخله در امور سایر کشورها را ممنوع می‌کند، معاف کرده است. بر این مبنای حقوق بین‌الملل برآمده از این نظم لیبرال در برابر ناتوانان، قدرتمندان اما در برابر قدرتمندان ناتوان است.

وقتی نوبت به ایجاد یک نظم جهانی بدیل نظم کنونی می‌رسد، محیط جهانی پرمنزعه فعلی ممکن است به نفع چین عمل کند. به هر حال، این جنگ دوم جهانی بود که نظم جهانی تحت رهبری ایالات متحده، از جمله نهادهایی که زیربنای آن هستند، مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان ملل متحد را به وجود آورد. حتی اصلاح معنادار این نهادها در زمان صلح بسیار دشوار بوده است.

این مطمئناً درباره سازمان ملل نیز که به نظر می‌رسد در

بحران‌ها، درگیری‌ها و جنگ‌هایی که در حال حاضر در جریان است، نشان می‌دهد چقدر چشم‌انداز ژئوپلیتیک طی سال‌های اخیر تغییر کرده است، چرا که رقابت قدرت‌های بزرگ دوباره به محوری در روابط بین‌الملل تبدیل شده است.

با جنگ‌های غزه و اوکراین که شکاف‌های جهانی را تشدید کرده، ممکن است یک پیکربندی مجدد ژئوپلیتیک عمیق‌تر از جمله تغییر به یک نظم جدید جهانی - در کار باشد.

این دو جنگ (اوکراین و غزه) خطر جنگ سوم جهانی را بر سر تاپوان افزایش می‌دهد. هیچ‌کس - حتی «شی جین پینگ» رئیس‌جمهور چین - نمی‌تواند شاهد انتقال مقادیر عظیمی از مهمات توپخانه‌ای، بمب‌های هوشمند، موشک‌ها و سایر تسلیحات آمریکایی به اوکراین و اسرائیل باشد، بدون اینکه متوجه شود ذخایر آمریکا در حال اتمام است. برای شی که الحاق تاپوان به جمهوری خلق چین را «مأموریت تاریخی» خوانده است، هر چه این جنگ‌های طولانی ادامه داشته باشد، بهتر است.

جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، خطرات را درک می‌کند و به دنبال کاهش تنش با چین است، بویژه پس از اعزام تعدادی از مقامات کلان‌بینه خود به پکن و مذاکرات با شی در حاشیه اجلاس همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه در سانفرانسیسکو. بایدن و شرکایش در گروه ۷ تأکید کردند به دنبال «ریسک‌زدایی» از روابط با چینی‌ها هستند تا روابط آنها با چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان قطع نشود.

هر چه آسمش را بگذاریم، این فرآیند قرار است نظم مالی جهانی و همچنین الگوهای سرمایه‌گذاری و تجارت را تغییر دهد. در حال حاضر، جریان تجارت و سرمایه‌گذاری به گونه‌ای در حال تغییر است که نشان می‌دهد اقتصاد جهانی ممکن است به ۲ بلوک

حال سقوط غیرقابل برگشت است و به طور فزاینده‌ای در امور بین‌المللی به حاشیه رفته است، صادق است. سخت شدن بن‌بست در شورای امنیت سازمان ملل باعث شده است مسئولیت بیشتری به مجمع عمومی سازمان ملل منتقل شود؛ مجمع عمومی مجبور شد قطعنامه‌ای را درباره جنگ غزه تصویب کند که خواستار «آتش‌بس بشردوستانه» و پایان محاصره غزه از سوی اسرائیل شد. با این وجود مجمع عمومی اساساً ضعیف است و برخلاف شورای امنیت، قطعنامه‌های آن از نظر قانونی الزام‌آور نیست. همانطور که وضعیت نهادهای بین‌المللی تحت رهبری ایالات متحده رو به وخامت است، اقتدار آمریکا در خارج از مرزهایش نیز بدتر شده است. حتی اسرائیل و اوکراین - که به ایالات متحده به عنوان بزرگ‌ترین حامی نظامی، سیاسی و اقتصادی خود وابسته هستند - گاهی توصیه‌های واشنگتن را رد کرده‌اند. اسرائیل توصیه آمریکا برای کاهش حملات نظامی خود و انجام اقدامات بیشتر برای به حداقل رساندن تلفات غیرنظامیان در یک وضعیت وخیم انسانی در غزه، حداقل قبل از توافق آتش‌بس موقت را رد کرد. مقامات ایالات متحده همچنین پراکنندگی گسترده نیروهای اوکراین را عامل شکست ضد حمله متوقف شده این کشور علیه روسیه می‌دانند. فراتر از نظم‌دهی مجدد جهانی که به نظر می‌رسد رقابت چین و آمریکا باعث ایجاد آن می‌شود، تغییرات منطقه‌ای مهمی امکان‌پذیر شده است. یک درگیری طولانی مدت در غزه می‌تواند یک سازماندهی مجدد ژئوپلیتیک را در خاورمیانه آغاز کند، جایی که تقریباً هر قدرت بزرگ - به جز مصر، ایران و ترکیه - محصول ساختار قرن بیستمی است که توسط غرب (بویژه بریتانیا و فرانسه) ایجاد شده است. در حال حاضر، جنگ اسرائیل نقش ژئوپلیتیک قطر غنی از گاز را تقویت می‌کند. اگر درگیری به فراتر از غزه گسترش یابد، پیامدهای ژئوپلیتیک آن حتی گسترده‌تر خواهد شد؛ هر چه در راه باشد، اوکراین ممکن است یکی از بزرگ‌ترین بازنده‌های آن باشد. همانطور که ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین اذعان کرده است، جنگ در غزه در حال حاضر «تمرکز» را از نبرد کشورش علیه روسیه در زمانی که اوکراین نمی‌تواند از عهده کاهش سرعت کمک‌های غرب بریاید، از بین می‌برد. با این حال، نیروها و روندهای بیشتری - از جمله وزن رو به رشد اقتصاد جنوب جهانی - تغییرات اساسی را در نظم بین‌المللی محتمل‌تر می‌کنند. در همین حال، جهان با گسترش نابرابری، اقتدارگرایی فزاینده، توسعه سریع فناوری‌های دگرگون‌کننده مانند هوش مصنوعی، تخریب محیط‌زیست و تغییرات آب و هوایی دست‌وپنجه نرم می‌کند. اگرچه دانستن جزئیات غیرممکن است اما اکنون یک تعادل ژئوپلیتیک اساسی جهانی کاملاً اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. شیخ یک درگیری پایدار بین غرب و رقبای آن - بویژه چین، روسیه و جهان اسلام - گسترده شده است.

منبع: ژاپن تایمز

اگرچه سیستم کنونی اغلب با اصطلاحات بی‌طرفی مانند «نظم جهانی مبتنی بر قوانین» یا «نظم جهانی متعادل» نامیده می‌شود اما به نظر می‌رسد خود را از قوانین و هنجارهای کلیدی، مانند قوانینی که مداخله در امور سایر کشورها را ممنوع می‌کند، معاف کرده است. بر این مبنای حقوق بین‌الملل برآمده از این نظم لیبرال در برابر ناتوانان، قدرتمندان اما در برابر قدرتمندان ناتوان است